

وبارسی گوشت کوند آفات جمع **اقاله** فرج س کردن و بیست کردن و در کندن
 از کله **اقامه** است و بیای کردن و براد شدن و رست کردن در کندن
 کردن و اقامت نماز و چیزی کندن **اکه** بهترین باشد زمین بلند و بالکسب
 خارش **اکسیر** بالفتح جمع کفای بالفتح الای مویض و کسری بالفتح
 نیران و اولاد **اکتله** بالفتح و کسوف و تشدید فون بر باجم کله بالکسب
 نون **الکته** قطعا و بر باصطوره است از برای ناکه و جالونی کبار بیدان و اللام
 تعریف است و منتهی است **العنه** بالفتح نحو کشدن **الایه** بالکسر نرم شدن **الیه**
 بالکسب بر کوشند و کله معادلی و کوشند و کوشند بر کوشند بن ران **الیه**
 بالمدح و بشاره و چیزی که سبب حصول چیزی شود و چیزی که بخواهد و الی حق بر بکند **الیه**
 آنچه که بسیارند و کین بودن **امانه** بالکسب بر شدن و ایامی و بالفتح نشاندن
 و وقت و تمام و عده امارت جمع **الفتح** اول و تشدید میم امر کشته و نفس ناره
 امر کشته میدی **امره** بالکسب بری **امره** بالکسب فرج الثالث زن بالفتح کشدن
 و شیب و بر املا شدن و اندازد کردن و وقت چیزی پدید کردن و زمین و
 خود و بجای بلند **امصاه** بالکسب میاید کردن و پیش ناری کردن و بالفتح نام نمان
امنه بهترین کینه و نیم اول و تشدید میم کرده از انشای و دیگر حیوان و میزدان
 مردی که میسر و عقده ای مردم باشد و درین وقت و مدت و همدفان و مادر و فرزند
 درین و بالکسب تشدید میم نموت و طین و درین **امنیه** بالفتح و تشدید بالکسب و بالفتح و
 یاد فرج و آرزو دراد و کتبت خواندن المانی جمع **امناقه** میرانیدن و فرزند مرد شدن
 دور کردن و حوزا نمان **امناه** میرانیدن **انات** روئیدن و رویانیدن **انصاف** خانگی
انابه باز کردن بسوی خدای تعالی و بازگشتن از کارهای و **اناره** روشن کردن و روشن
 و جامه را علم کردن و حکم فر آوردن درخت **اناحه** بالکسب و جابجی خواندن
اناشیه بالفتح کسبی و غولیت یعنی **اناقه** بالفتح آسکی وزن آسته **انسیه** بالمدح

اکله بالفتح کبار خوردن و بالفتح
 لغت و بالکسب شایسته و بالفتح
 و کسب میاید و تشدید میم
 چنانکه عسور و کورد و خارش
 و فاقه در کسب اول و خارش
 همس و بر طاعت برادران
 بجه که در کسب است و بالفتح
 الف و فتح کله بسیار خوردن

اندر

نظر و فرج اند و چیزی غایت کم **الفتح** بالکسب الف و فتح فاقه و کله آن و تشدید میم
 و تشدید میم است و ما حقیقوس کید میزیت ندر و کله آن و تشدید میم
 کله و در تشدید میم است بیرون آمدن و در صوف و غیر آن تشدید میم و غلط شود
 کله بداند و یکی بر بند و هر که کله آن ز غایب خواره کله و در تشدید میم الف و کله آن
 کوند بلس و جابجی صبح الف و کله آن و کله آن و تشدید میم و کله آن و تشدید میم
 یعنی الف و کله آن و تشدید میم و کله آن و تشدید میم و کله آن و تشدید میم
 و ازین کلمات ظاهر شد که الف تشدید میم است که کله آن و تشدید میم و کله آن و تشدید میم
 که در تشدید میم است و تشدید میم است و تشدید میم است و تشدید میم است
 مسطر از تشدید میم است و تشدید میم است و تشدید میم است و تشدید میم است
 و در کتب طب بجماره آن الطلاق کرده اند و غالباً لفظی علمیه در کلام عرب بر این
 معنی یافته اند **الفه** بالفتح تشدید میم و تشدید میم است و تشدید میم است
 حاشیة میم کوند اینها بر حرکت الف و تشدید میم است و تشدید میم است و تشدید میم است
 توان خوانند آنها مشهور است **انوه** بالفتح تشدید میم **انوه** بالکسب تشدید میم
 شدن **الظلمه** بالفتح و بالکسب و سکون النون و کله آن و تشدید میم است و تشدید میم است
 در کله آن و تشدید میم است و تشدید میم است و تشدید میم است و تشدید میم است
 بالفتح تشدید میم درم و تشدید میم است و تشدید میم است و تشدید میم است
 حدیث است که درین آیه زکوة و جیب تشدید میم است و تشدید میم است و تشدید میم است
 دریم **اوحیه** بالفتح ظاهر جمع دعا و بالکسب **اوحا** بالفتح و تشدید میم است و تشدید میم است
 او را و بالفتح **اوحا** بالفتح و تشدید میم است و تشدید میم است و تشدید میم است
 او را و بالفتح **اوحا** بالفتح و تشدید میم است و تشدید میم است و تشدید میم است
 بالکسب سیاست کردن و تشدید میم است **بالف** **الف** **الف** **الف** **الف** **الف**

الفه بالکسب و بالفتح
 و سکون النون و تشدید میم
 الی کله تشدید میم کله آن

اوحا بالکسب و بالفتح
 و جزی میم
 لافحه بالکسب و بالفتح
 و اهرات صبح